

مقایسه تطبیقی و تحلیلی جغرافیای جمعیت ناحیه شهری زابل

ژیلا سجادی

عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی

J-sajadi@sbu.ac.ir

محمد صادق افراسیابی راد،

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

امیر اشنویی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

تاریخ پذیرش: 1394/2/12

تاریخ دریافت: 1393/12/16

چکیده

از اساسی‌ترین متغیرهای بنیادی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر مکانی جمعیت می‌باشد. جمعیت و ویژگی‌های آن رکن اصلی تمامی برنامه‌ریزی‌ها در سطوح مختلف منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است. آگاهی از کم و کیف وضعیت ویژگی‌های جمعیت شناختی کشور در تدوین برنامه‌های توسعه ای یکی از فاکتورهای لازم و ضروری محسوب می‌شود. بر این اساس آگاهی و شناخت وضعیت جمعیت و ویژگی‌های جمعیت شناختی مناطق شهری کشور نیز به منظور تدوین برنامه‌های توسعه همه جانبه نواحی شهری بویژه نواحی غیر برخوردار و مرزی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. امروزه در همه کشورهای و جوامع جهت برنامه‌ریزی بهتر و اجرای سیاست‌های خود، به آگاهی از جمعیت و ویژگی‌های آن به عنوان یک اصل مهم به آن می‌پردازند که سرشماری و آمارگیری لازمه این امر مهم می‌باشد به همین منظور تقریباً همه جوامع و کشورها طی یک زمان‌بندی مشخص اقدام به سرشماری از جمعیت خود می‌نمایند. کشور ایران نیز بنا به ضرورت از این قاعده مستثنی نیست. سرشماری نفوس و مسکن در کشور ایران هر ده سال یک بار در گذشته و هر پنج سال در حال حاضر صورت می‌گیرد. قاعدتاً در طی هر دوره شاخص‌ها و ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت کل کشور و همچنین مناطق شهری و هم مناطق روستایی دچار تغییرات خواهد شد که لازم است روندهای کمی و کیفی این تغییرات مورد بررسی و تحلیل آماری قرار بگیرد. این مقاله با درک اهمیت این موضوع به بررسی و تحلیل آماری مهمترین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در ناحیه شهری زابل طی دوره ده ساله 1375-85 می‌پردازد. انتظار می‌رود نتایج این تحلیل آماری، اطلاعات لازم را جهت تصمیم‌سازی‌های واقعی‌تر جهت رشد و توسعه مناطق مرزی بویژه ناحیه شهری زابل را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: تحلیل جمعیت، برنامه‌ریزی، متغیرهای جمعیتی، تحول جمعیت، ناحیه شهری زابل.

مقدمه

جمعیت از سرمایه‌های مهم جهت رسیدن به توسعه پایدار و بالندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در یک محدوده جغرافیایی می‌باشد. بررسی‌ها و مطالعات جغرافیایی جمعیت به علت پرداختن به موضوع جمعیت با دید جغرافیایی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (مولایی هشتجین، 1386: 1). یکی از سازه‌های بنیادی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و مهندسی زندگی اجتماعی در هر سرزمینی (توسعه‌یافته و یا در حال توسعه) جمعیت می‌باشد. آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی و شناخت ساختار سنی، جنسی، ابعاد و گستردگی آن از ابزارهای کارساز در تصمیم‌گیری‌ها و انواع مختلف برنامه‌ریزی‌ها (رحیمی، 1379: 1) از جمله برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌آید.

توسعه به طور عام و توسعه نواحی شهری به طور خاص موضوع بسیار پیچیده‌ای است که نمی‌توان آن را به تنهایی با تغییر و تحول جمعیتی تبیین نمود اما این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که ویژگی‌های جمعیتی در این زمینه نقش مهمی دارد اگر «توسعه بهتر شدن روابط تولید، افزایش کمی اقتصادی در امر تولید و مصرف جامعه، اعتلای کیفیت زندگی اجتماعی (سطح سواد، رفاه عمومی، بهداشت و درمان و...) و انسانی شدن زندگی و روابط اجتماعی، برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی و درمانی و سرانجام کاهش وابستگی اقتصادی تعریف می‌شود در این صورت جمعیت و ترکیب آن می‌تواند عامل مهمی در چگونگی تحقق کلیه شاخص‌های آن به شمار آید» (کامکار، 1374: 18). در دیدگاه‌های نظری توسعه، منابع به خصوص منابع انسانی و سرمایه‌ای و خدمات زیربنایی و بهره‌گیری از مزایای هر کدام از این موارد توجیه‌کننده راه صحیح توسعه می‌باشد. لیکن نبود اطلاعات دقیق از استعدادها بالقوه در زمینه‌های مختلف در آغاز هر برنامه‌ریزی توسعه، راه پیشرفت و رسیدن به نتیجه مطلوب را کندتر می‌نماید (آشفته تهرانی، 1364).

تحلیل‌های جمعیتی از عمده‌ترین ابزارها برای برنامه‌ریزی، کنترل و ارزشیابی خدمات، فعالیت‌ها و در مجموع توسعه و پیشرفت یک منطقه و ناحیه می‌باشد و نیز شناخت ویژگی‌های جمعیتی و تجزیه و تحلیل آن‌ها ابزار مهمی جهت ارزیابی داده‌های سرشماری هستند. در این تحلیل‌ها، جمعیت به عنوان محور و هدف توسعه از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته و اطلاعات تفصیلی با ارزشی گردآوری می‌شود، ارزش این اطلاعات و داده‌های متنوع جمعیتی به حدی است که اختصاص منابع و کوشش‌های بسیار زیادی را توجیه می‌نماید. شناخت و آگاهی از تغییر و تحولات جمعیتی جوامع، لازمه هر گونه برنامه‌ریزی برای آن می‌باشد (شفقی و دیگران، 1383: 7). برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی - اجتماعی، ناگزیر از توجه به روابط متقابل بین متغیرهایی هستند که در تحولات اقتصادی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارند و شاید مهمترین متغیری که در برنامه‌ریزی‌ها به عنوان کلیه محاسبات در نظر گرفته می‌شود جمعیت و دگرگونی-

های آن در گذشته و حال و پیش‌بینی تحولاتش در آینده می‌باشد (محمودی مجدآبادی فراهانی، 1364: 13). فعالیت‌ها و خدمات یک جامعه برای جمعیت و توسط جمعیت می‌باشد و بررسی در زمینه جمعیت و پرداختن به ابعاد مختلف جمعیتی گذشته را منعکس و تحول جمعیت و چگونگی حرکت‌های آینده جمعیت را ارزیابی می‌کند. تحلیل‌گران جمعیت امروزه با ارائه شاخص‌ها و ارزیابی داده‌های جمعیتی، سهم عمده‌ای در امر توسعه را بر عهده دارند (زمانی، 1386: 12). امروزه مسائل مربوط به جمعیت، خصوصیات و ویژگی‌های آن چنان رابطه تنگاتنگی با خود و عوامل غیرجمعیتی پیدا نموده که جایی برای اثبات حقانیت خود مبنی بر ضرورت توجه به مسائل جمعیتی در ارتباط با دیگر عوامل از قبیل منابع طبیعی، زیست محیطی، غذایی، مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ... باقی نگذاشته است (جوان، 1380: 7). هدف نهایی از مطالعات و تحلیل‌های جمعیتی کمک به بهبود شرایط زیست انسانی از طریق مشخص نمودن دو ضرورت می‌باشد: نخست ایجاد اعتقاد عمیق نسبت به شناخت همه جانبه به جمعیت و تحولات آن به‌ویژه در بستر زمانی - مکانی و دیگری توجه به این امر که دو مقوله مطلوبیت ساختار جمعیت و توسعه دو موضوع تفکیک‌ناپذیر از هم هستند (جوان، 1380: 8). از این‌رو اهمیت مطالعات تحلیل‌های جمعیتی به عنوان عنصری تعیین‌کننده در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه بر کسی پوشیده نمی‌باشد.

ضرورت تحقیق

بررسی و شناخت تحلیل و تحولات جمعیتی بدین علت در کانون توجه اقدامات و تلاش‌های برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان قرار می‌گیرد که تأمین نیازهای اساسی، پاسخگویی به مطالبات اجتماعی و ارتقاء و اعتلای سطح زندگی مردم، مقصد نهایی تمامی تلاش‌های توسعه می‌باشد. جمعیت یکی از عناصر بنیادی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌گردد. آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی (تحلیل جمعیت) و شناخت ساختار و ابعاد آن از ابزارهای مهم تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به شمار می‌رود (مهدوی، 1377: 61). از دیدگاه برنامه‌ریزی و توسعه، جمعیت هم هدف تلقی می‌گردد و نیز عاملی برای رسیدن به هدف می‌باشد که این ماهیت دو وجهی بیان‌کننده ضرورت شناخت و تحلیل ویژگی‌های جمعیتی یک محدوده جغرافیایی را می‌رساند. مسلماً هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و طرحی نمی‌تواند به مرحله اجرا درآید و یا اگر به مرحله اجرا درآید نمی‌تواند بازده مناسبی داشته باشد مگر آنکه با خصوصیات و ویژگی‌های جمعیتی ناحیه مورد مطالعه هماهنگی داشته باشد (شیعه، 1379: 92). بدیهی است تعیین جهات کلی توسعه در هر منطقه بدون بحث از کمیت و کیفیت جمعیت امکان‌پذیر نمی‌باشد (آسایش، 1378: 5). با توجه به مطلب بیان شده آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی (میزان رشد سالانه جمعیت، بعد خانوار، میزان باسوادی، اشتغال، ضریب شهرنشینی، روستانشینی و ...) و نیز تجزیه و تحلیل این متغیرها در

واقع نوعی ابزار و راهنمای مفید جهت استفاده سازمان‌های اجرایی و مراکز تصمیم‌گیری مرتبط با توسعه و برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی در انواع سطوح برنامه‌ریزی‌ها می‌باشد. از طریق جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر ارقام و نسبت‌ها می‌توان به شناخت پدیده‌های جمعیتی دست یافت که این مهم خود موجب بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در سطوح انواع برنامه‌ها به‌ویژه در محدوده مورد مطالعه می‌شود.

سابقه و پیشینه تحقیق

بی‌شک نیروی انسانی و جمعیت، اجزای اصلی تمامی برنامه‌ریزی‌ها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی می‌باشد و باید به شکلی جامع و همه‌جانبه مورد بررسی قرار گیرد. یکی از سرمایه‌های مهم برای رسیدن به توسعه پایدار و بالندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیروی انسانی هر کشور می‌باشد. برای دولت مردان و سیاست‌گذاران در هر جامعه‌ای اهمیت شناخت ویژگی‌های جمعیتی به خوبی روشن است لذا محققین این امر در جوامع مختلف به تحقیق و پژوهش درباره ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در جامعه خود پرداخته‌اند. در کشور ایران نیز از دیدگاه‌ها و مناظر متفاوت و به منظورهای مختلف تحقیقاتی در این ارتباط صورت گرفته شده است. طی یک تحقیق انجام گرفته در فیلیپین پژوهشگران مدل تحولات جمعیت و تاثیر آن را در رشد اقتصادی شبیه‌سازی نموده‌اند. در این مدل تحولات رشد جمعیت بر روی شاخص‌های توسعه فقر مانند استخدام و وضعیت شغلی و آموزش و امنیت و دیگر جنبه‌های آن بررسی شده است. هدف اصلی پژوهش نشان دادن وابستگی بین رشد و تحولات جمعیت و اقتصاد بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه معناداری بین توسعه اقتصادی و تغییرات جمعیت وجود دارد. بین تغییرات جمعیت و رشد اقتصادی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. نرخ بالای رشد جمعیت در کشورهای فقیر آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین وضعیت اقتصادی آنها را بغرنج‌تر کرده است. تمرکز اقتصادی باعث بزرگ‌تر شدن پایتخت‌های آنها شده است چون مهاجران داخلی و خارجی را به سوی خود جذب می‌کند. در صورت رکود اقتصادی در پایتخت این‌گونه کشورها وضعیت بخصوص در روستاها بدتر می‌شود. رشد جمعیت و فقر در این کشورها به صورت سیکل عمل می‌نماید. بدون کنترل جمعیت ارتقاء وضعیت اقتصادی بعید به نظر می‌رسد و بالا بردن سطح زندگی مشکل به نظر می‌آید با سرمایه‌گذاری و کنترل جمعیتی می‌توان به اهداف اقتصادی رسید (Gerry B. Simmons, 1977: 318). بعد از انقلاب فرهنگی در چین ابتکار تازه‌ای که تمرکز بر روی برنامه‌های خانواده داشت ایجاد شد. برنامه‌ای که بتواند در کنترل رشد جمعیت به آن‌ها کمک نماید. مسئولان در نظر داشتند برنامه‌ای برای به تأخیر انداختن ازدواج و کنترل میزان مولید به‌صورتی که همگان از نتیجه آن سودمند گردند را اجرا نمایند. آمارگیری از جوانانی

که به سن ازدواج رسیده بودند و کسانی که تازه ازدواج کرده بودند به منظور جلوگیری از مولید زیاد، عقیم کردن و سقط کردن جنین ضمن اینکه سلامت والدین آنها در نظر گرفته شود با آمارگیری از این گروه آنها به نتایج قابل قبولی دست یافتند (Leo A. . 1975: 497-525)

پژوهشگران ایرانی نیز با درک اهمیت موضوع نقش جمعیت در توسعه به تحقیقات زیادی در ابعاد مختلف جمعیت‌شناختی پرداخته‌اند. در پژوهشی در مورد تحولات نیروی انسانی و توسعه پایدار به بحث اشتغال و توسعه آن پرداخته شده است. در آن عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، تکنولوژیکی، برنامه‌ریزی، بهره‌وری، زیرساخت‌ها، مفاسد اجتماعی و منابع در دسترس را در اشتغال و توسعه موثر دانسته‌اند. در این بررسی نشان داده شد که ابعاد بیکاری در کشور گسترده‌تر از آن چیزی است که رسماً اعلام می‌شود. عامل جمعیت در عرضه بیشتر نیروی انسانی تأثیر مثبت داشته است در حالی که عامل میزان فعالیت بجز در دوره 85 - 1375 با تأثیر منفی موجب کاهش جمعیت فعال کشور شده است. کیفیت آموزش با واقعیت‌های کاری افراد متفاوت است و موجب ضرر و زیان بزرگی به اقتصاد کشور گردیده است. همچنین این بررسی نشان می‌دهد برخلاف روند توسعه در نقاط دیگر کارگاه‌های کوچک و متوسط در بعد از انقلاب افزایش یافته است و هدایت آموزش و کاهش فاصله بین آموزش اشتغال در ایجاد توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار موثر است و باید مورد توجه قرار گیرد و برای ایجاد فرصت‌های شغلی تلاش‌های جدی‌تری به عمل آید. علی‌رغم شعارها، بهره‌وری نیروی کار افزایش نیافته است و باید در این زمینه اقدامات جدی‌تری به عمل آید (رسولی و همکاران، 1386: 3).

در پژوهشی دیگر در مباحث جمعیت‌شناختی به بررسی رابطه بین سطح توسعه‌یافتگی روستاهای استان تهران و مهاجرت به شهر تهران انجام گردیده است. مسئله مهاجرت که اساسی‌ترین مشکل در کشورهای جهان سوم می‌باشد اشاره شده است که این مسئله دارای پیامدهای مختلف مثبت و منفی برای مبداء و مقصد می‌باشد. در این پژوهش، موضوع مهاجرت دائمی خانوارهای روستایی به شهر تهران با این فرض بررسی شده است که بین سطح توسعه‌یافتگی روستاها و میزان شدت مهاجرت و جهت جریان مهاجرت رابطه وجود دارد که 15 روستا در محدوده تهران به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب نموده‌اند. براساس آن ابتدا سطح توسعه روستاهای انتخابی و سپس رابطه بین توسعه‌یافتگی آنها با مهاجرت دائمی به شهر مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج نشان می‌دهند که بین مهاجرت روستاییان به شهر و سطح توسعه روستاها روابط معناداری است و علت اصلی مهاجرت عامل اقتصادی و تفاوت‌های درآمدی یا شغل بوده است که نمودی از توسعه نابرابر شهری و روستایی است (جمعه‌پور، 1386: 27).

نقش زن در کنترل جمعیت و توسعه پایدار به عنوان یک موضوعی است که در مباحث جمعیت‌شناختی به آن پرداخته می‌شود. در تحقیقی خانم جولایی ابتدا به نقش جمعیت و نیروی انسانی در توسعه پایدار و

سپس نقش زنان در کنترل جمعیت و تأثیر آن بر توسعه پایدار پرداخته شده است. بی سوادى زنان را عامل تشدید کننده بحران جمعیت دانسته اند و اشاره شده است که تعداد فرزندان و دفعات بارداری زنان بی سواد از زنان تحصیل کرده بیشتر است. در ادامه به نقش و تأثیر جمعیت زنان در تعلیم و تربیت نسل آتی با توجه به بحران اقتصادی اشاره شده است و در انتها به نقش مدیریتی زنان در خانواده در رابطه با سه فاکتور انرژی، آب و هوا و مواد زائد پرداخته شده است. بهترین راه برای نتیجه گیری و موفقیت مادران را در سه زمینه آموزش صحیح و انتقال دانش، به کار بردن صحیح انرژی و آموزش انتقال به فرزندان توسط مادران شناخته شده است (جولایی، 52:1382).

در تحقیقی که با هدف بررسی علل و پیامدهای اجتماعی - فضایی مهاجرت های درون شهری در بافت قدیم تهران پارس با نگرشی مبتنی بر دیالکتیک اجتماعی - فضایی به بررسی علل و پیامدهای اجتماعی - فضایی ناشی از مهاجرت های درون شهری می پردازد. در این پژوهش مشخص گردید که خلق و شکل گیری ساختار جدید بافت قدیم تهران پارس نه تنها حاصل نقش آفرینی تصمیمات مدیریتی (شهرداری) و بخش خصوصی در امر تولید مسکن بوده بلکه تصمیم خانوارهایی از نواحی مختلف تهران در اثر مهاجرت به این بافت (با هدف تغییر در شیوه زندگی و ارتقای پایگاه اجتماعی) عواملی بوده اند که باعث ایجاد ساختار جدید بافت قدیم تهران پارس در اثر تداوم مهاجرت های درون شهری در این منطقه می باشند (سجادی و احمدی دستجردی، 1387: 115).

روش تحقیق

پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده های آماری صورت پذیرفته است. روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از فرمول های ریاضی مرتبط با جمعیت شناسی صورت گرفته شده است. در این مطالعه با استفاده از تحلیل ریاضی جمعیت میزان نرخ رشد سالانه جمعیت، مهاجرت، مرگ و میر، ازدواج، باروری و سایر متغیرهای جمعیتی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت. عواملی چون اهمیت تعداد جمعیت، ویژگی ها و ابعاد مختلف جمعیت، نقش مطالعات جمعیتی در برنامه ریزی های اقتصادی - اجتماعی و پیش بینی و تحولات آن در آینده از جمله دلایل اصلی نیاز به پژوهش در زمینه ویژگی های جمعیتی ناحیه شهری زابل می باشد که در تحقیق حاضر به تحلیل این متغیرها با استفاده از فرمول های ریاضی جمعیت به بررسی خواهیم پرداخت. از آنجا که بررسی ویژگی های جمعیتی، توجه به شناخت و روندها از یک سو و آینده نگری ها از سوی دیگر می طلبد، بر این اساس به مقایسه تطبیقی و تحلیل مهمترین ویژگی های جمعیتی طی دوره 85- 1375 در ناحیه شهری زابل می پردازیم.

معرفی اجمالی محدوده مورد مطالعه

شهرستان زابل به عنوان یکی از نواحی استراتژیک مرزی شرق ایران و حاشیه کویر در عرض جغرافیایی 30 درجه و 7 دقیقه تا 31 درجه و 29 دقیقه شمالی و طول جغرافیایی 59 درجه و 25 دقیقه تا 61 درجه و 59 دقیقه شرقی قرار دارد که با مساحت 15197 کیلومتر (8/10 درصد وسعت استان) دارای جمعیت 259356 نفر و با تراکم نسبی 23/5 نفر در سال 1390 بوده و از نظر موقعیت در منتهی‌الیه شمالی استان سیستان و بلوچستان واقع گردیده که از شمال با استان خراسان جنوبی، از غرب با کرمان، از جنوب با زاهدان و از شرق با کشور افغانستان همجوار می‌باشد (راهنمای گردشگری سیستان و بلوچستان، 1390: 3). بر اساس تقسیمات کشوری شهرستان زابل دارای 3 بخش مرکزی، شیب‌آب و پشت‌آب و 5 شهر محمداًباد (طبق جدیدترین تقسیمات کشوری شهرستان هیرمند با مرکزیت شهر دوست‌محمد و شهرک علی‌اکبر با 7 هزار نفر جمعیت به شهر هامون شهر در شهرستان زابل تبدیل شده است)، ادیمی، بنجار و زابل و نیز دارای 9 دهستان و 419 روستا می‌باشد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1390: 50). شهر زابل مرکز اداری - سیاسی شهرستان زابل (یکی از 10 شهرستان استان سیستان و بلوچستان) می‌باشد. شهر زابل در فاصله 210 کیلومتری زاهدان و در انتهای جاده ارتباطی زابل - زاهدان واقع گردیده شده است. این جاده مهمترین راه ارتباطی کانون‌های جمعیتی منطقه اطراف زابل با مرکز استان و نیز سایر مناطق و استان - های همجوار می‌باشد. مساحت شهر زابل در داخل محدوده مصوب طرح تفصیلی، بالغ بر 2084/5 هکتار (1328/8 هکتار اراضی خالص شهری و 755/7 هکتار اراضی ناخالص شهری) و سرانه کل زمین به ازای هر یک از ساکنین شهر حدود 144/5 متر مربع است (که اراضی خالص شهری 92/1 متر مربع و اراضی ناخالص شهری 52/4 متر مربع می‌باشد). بدین ترتیب، تراکم ناخالص شهر حدود 69/2 نفر در هکتار و تراکم خالص شهری 108/6 نفر در هکتار بوده است.

اندازه جمعیت و ساختمان آن

تعداد جمعیت نه تنها بیانگر کمیت یا وزن جمعیتی یک محدوده جغرافیایی می‌باشد، بلکه بازتاب عمل بسیاری از ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی است و رابطه‌ای منطقی بین تعداد جمعیت و امکانات طبیعی یک سرزمین وجود دارد (جمعه‌پور، 1375: 156). بی‌گمان شرایط طبیعی محیط، نقش قاطعی را در نحوه اشتغال، توزیع و تراکم منطقه‌ای جمعیت بازی می‌نماید (فرید، 1374: 4). بر اساس سرشماری سال 1385 نرخ رشد جمعیت کشور نسبت به سرشماری 1375 حدود 35٪، درصد کاهش یافته و این نرخ در استان سیستان و بلوچستان در سال 1375 برابر با 1/7 و در سال 1385 به 3/4 درصد فزونی یافته است.

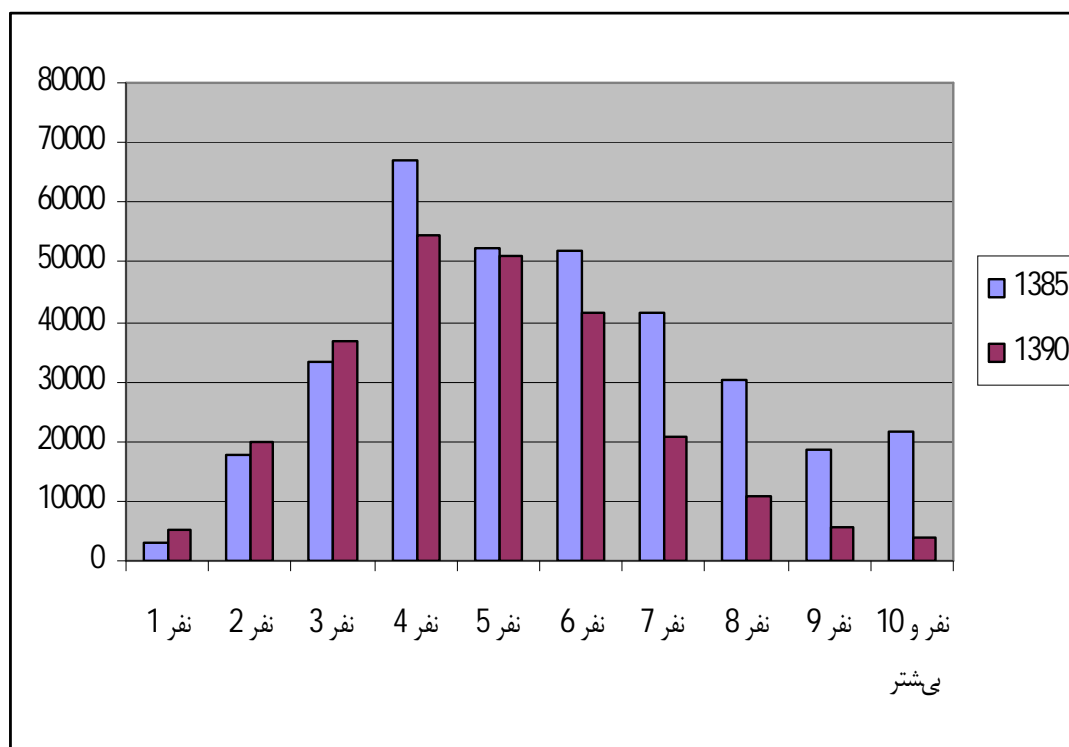
در سال 1335 جمعیت شهرستان زابل 152272 نفر بوده که این رقم در سال 1390 به 259356 نفر رسیده که با توجه به مطلب بیان شده می توان این گونه نتیجه گرفت که طی 50 سال این رقم بیش از 2/05 برابر شده است (جمعیت استان در همین دوره 5/6 برابر شده است). با در نظر گرفتن تعداد جمعیت شهرستان 334561 نفر در سال 1375 نسبت به سال 90 مشخص می گردد که تعداد جمعیت کاهش یافته اما نرخ رشد افزایش داشته است. از علل اصلی این مهم می توان به بهبود بهداشت عمومی در سطح منطقه، افزایش آگاهی و آموزش در امر زاد و ولد (تنظیم خانواده)، بهبود بهداشت و تغذیه، افزایش نسبی رفاه عمومی، افزایش کیفیت خدمات و جدایی زهک از زابل را ذکر نمود.

طبق سرشماری مرکز آمار در سال 1375 جمعیت شهرستان زابل 334561 نفر برابر با نرخ رشد طبیعی جمعیت 0/73 بوده است و جمعیت شهرستان در سال 1390 به 259356 نفر و رشد طبیعی جمعیت 1/24 در این سال بوده است. از علل اصلی کاهش جمعیت طی دوره 10 ساله در این شهرستان بر خلاف رشد طبیعی جمعیت، تبدیل شهر زهک به شهرستان و جدایی این ناحیه شهری از شهرستان زابل می باشد. ملاحظه می شود که جمعیت در شهرستان زابل با تغییرات زیادی روبرو بوده چرا که در دهه 65-1335 جمعیت به طور چشم گیری افزایش یافته (با بیشترین میزان رشد مطلق جمعیت در طی سال های 85-1335 برابر با 9/83 درصد) اما در سال 1375 با کاهش در خور تأملی روبرو بوده است (2/08) و در سال 1385 دوباره جمعیت فزونی یافته است. همچنین جمعیت در مناطق شهری با افزایش و در مناطق روستایی با کاهش مداوم مواجه بوده است. نظر به این که در سال 1375 مساحت شهرستان زابل 15197 کیلومتر و تراکم نسبی آن 22 نفر در کیلومتر مربع بوده است (سالنامه آماری سیستان و بلوچستان، 1375: 16) اما در سال 1390 به علت جدایی زهک، مساحت شهرستان به 15197 کیلومتر مربع و تراکم آن به 23/5 نفر در کیلومتر مربع رسیده است.

تعداد و توزیع جمعیت و بعد خانوار

تعداد جمعیت خانوارها در شهرستان زابل طی دوره 1390-1375 در نقاط شهری و روستایی با کاهش روبرو بوده است اما تعداد خانوارها با نرخ های متفاوتی افزایش یافته اند. نکته قابل توجه این که تعداد جمعیت و تعداد خانوار در نقاط روستایی در سرشماری 1375 و 1385 در ناحیه شهرستان زابل بیشتر از ناحیه شهری می باشد ولی جمعیت ناحیه شهری زابل از 32/5 درصد در سال 1375 به 41/5 درصد در سال 1385 افزایش یافته و جمعیت روستایی از 66/6 درصد در سال 1375 به 53 درصد تنزل یافته است. این مهم بیانگر افزایش ضریب شهرنشینی به دلیل ادغام روستاها در شهر، مهاجرت روستاییان و تبدیل روستاها به شهر می باشد. بعد خانوار در شهرستان زابل در فاصله سال های 90-1375 کاهش یافته (از 67855 نفر

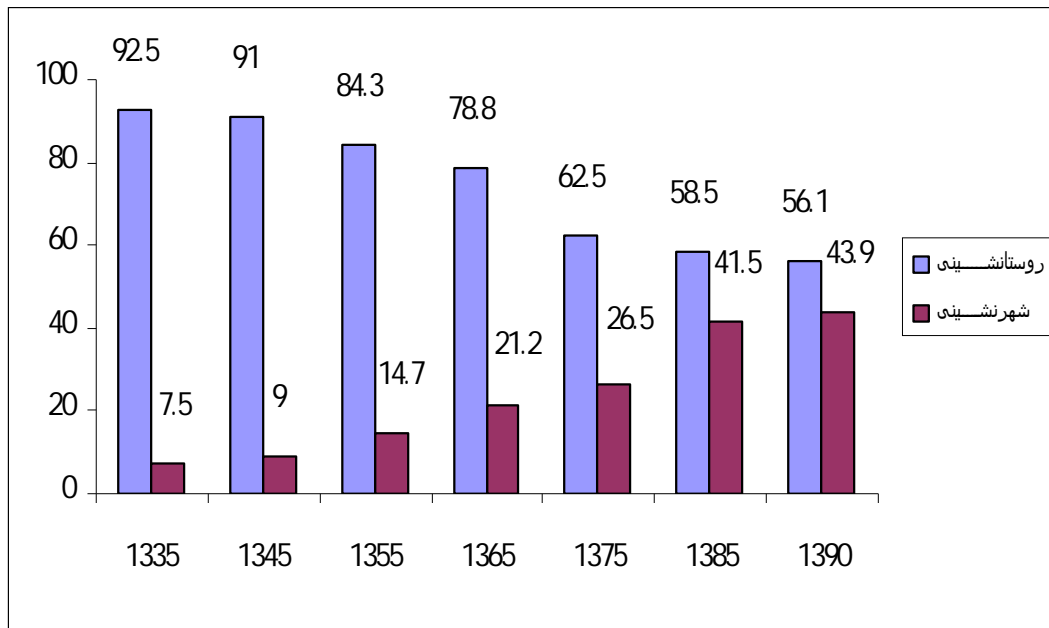
به 59296 نفر) که این کاهش در ناحیه شهری زابل بیشتر بوده (از 1920 خانوار به 31324 خانوار) و در نقاط روستایی (از 39741 خانوار به 36639 خانوار) کاهش یافته است. در خانوارهای 1 تا 6 نفره بعد خانوار افزایش یافته ولی در خانوارهای 7 تا 10 نفره و بیشتر کاهش چشمگیری صورت پذیرفته است. خانوارهای بسیار کوچک (یک نفره)، بزرگ (5 تا 6 نفره) و بسیار بزرگ (10 نفره و بیشتر) در سال 1375 به ترتیب 3/9 درصد، 24/6 درصد و 7/4 بوده که در سال 1385 این میزانها به 4/7 درصد، 30/1 درصد و 2/9 درصد تغییر یافته است. در سال 1375 بیشترین بعد خانوار مربوط به خانوار 7 نفره با 7918 نفر جمعیت و در سال 1390 این میزان به خانوارهای 4 و 5 نفره با 1774 نفر جمعیت تغییر می‌یابد. به‌طور کلی، مقایسه ابعاد خانوار در طی سال‌های 90-1375 در ناحیه شهری زابل نشان‌دهنده کاهش 4/5 درصدی خانوارهای بسیار بزرگ و افزایش 5/5 درصدی خانوارهای بزرگ و 0/8 درصدی خانوارهای بسیار کوچک می‌باشد. بطورکلی متوسط بعد خانوار از اولین سرشماری تا سال 75 روند افزایشی داشته است ولی در سرشماری اخیر با کاهش محسوسی در متوسط بعد خانوار در ناحیه شهری زابل نسبت به دهه قبل از خود (5/22 در سال 1375 و 4/36 در سال 1390) مواجه می‌گردیم که نشانگر کنترل موالید و اتخاذ سیاست‌های جدید کنترل جمعیت و بالا رفتن سطح فرهنگ در این ناحیه می‌باشد.



شکل شماره 1- نمودار تعداد و بعد خانوار بر حسب افراد

شهرنشینی و روستانشینی

تعداد نقاط شهری شهرستان زابل از 2 نقطه شهری در سال 1375 به 5 نقطه شهری در سال 1390، تعداد جمعیت نقاط شهری در این شهرستان از 108889 نفر در سال 1375 به 152370 نفر در سال 1390 و میزان شهرنشینی از 32/5 درصد در سال 1375 به 44/5 درصد در سال 1390 افزایش یافته است که از دلایل مهم این امر تبدیل روستاهای بزرگ به شهر (بنجار، ادیمی، دوست محمد و محمدآباد)، مهاجرت روستاییان به نقاط شهری و ادغام روستاها در نقاط شهری در ناحیه شهری زابل می باشد که این مهم در تشدید پدیده شهرنشینی در این ناحیه تأثیر بسزایی داشته است. تعداد نقاط روستایی شهرستان از 933 آبادی در سال 1375 به 419 آبادی، تعداد جمعیت نقاط روستایی در این شهرستان از 223016 نفر در سال 1375 به 106556 نفر در سال 1390 و میزان روستانشینی از 66/6 درصد در سال 1375 به 55/5 درصد در سال 1390 کاهش یافته است. تغییر و تحول در تعداد نقاط شهری و روستایی، جمعیت نقاط شهری و روستایی و میزان شهرنشینی و روستانشینی شهرستان زابل ارتباط مستقیمی با عوامل جغرافیایی، شرایط طبیعی (وجود آب یا خشکسالی) و عوامل انسانی (خدمات رسانی) دارد (محموی مجدآبادی و همکاران، 1373: 61). طبق نمودار شماره 2 سهم جمعیت روستایی شهرستان زابل در فاصله سال‌های 1335 تا 1385 همواره کاهش محسوسی را به دنبال داشته و از 92 درصد به 53 درصد رسیده است. علی‌رغم افزایش زیاد جمعیت شهری و افزایش میزان شهرنشینی همچنان الگوی زندگی روستایی در شهرستان و بویژه ناحیه شهری زابل حاکم و محسوس می‌باشد.



شکل شماره 2- نمودار نسبت شهرنشینی و روستانشینی به درصد

ساختار سنی و ترکیب جنسی جمعیت

ترکیب و ساختار سنی هر جمعیتی به عنوان یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد. با بررسی‌ها و مطالعات آماری مشخص گردید که در سال 1390، این شهرستان دارای 250382 خانوار معمولی ساکن با 259356 نفر جمعیت، شامل 133106 نفر مرد و 126250 نفر زن بوده است. ترکیب جنسی جمعیت نشان‌دهنده‌ی تعداد مردان به ازای 100 نفر زن می‌باشد. بر پایه آمارگیری‌های صورت گرفته، در بدو تولد پسرها از دخترها بیشتر است که معمولاً تعداد دخترها به پسرها را 100 به 105 فرض می‌نمایند. بر اساس ارقام به‌دست آمده از ناحیه مورد بررسی، در مقابل هر 100 نفر زن 100/4 نفر مرد در سال 1375 در این ناحیه وجود داشته است که این میزان در سال 1390 به 102 نفر مرد در برابر هر 100 نفر زن تغییر پیدا کرده است. داده‌های مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن مشخص می‌کند که، در ناحیه شهری زابل همواره تعداد مردان از زنان بیشتر بوده و نیز مطالعات بیانگر این نکته می‌باشد که نسبت جنسی در مناطق شهری به دلیل مهاجرت مردان روستایی همواره بیشتر از مناطق روستایی بوده است. قاعده هرم سنی جمعیت شهرستان زابل در سال 1390 نشان‌دهنده جمعیت جوان ولی در حال انتقال در این ناحیه می‌باشد. در رابطه با ساختمان سنی و جنسی می‌توان این‌گونه بیان نمود که در سال 1375 بیشترین جمعیت در گروه سنی 9-5 ساله قرار داشته، ولی در سال 1390 بیشترین جمعیت در گروه سنی 19-15 ساله تغییر یافته است که جمعیت این گروه سنی 45093 نفر بوده که از این تعداد 23248 نفر مرد و 21845 نفر زن می‌باشند و تمرکز و تراکم جمعیت در گروه سنی 19-15 ساله نشان‌دهنده بازتاب موالید و رشد انفجار آمیز جمعیت در دهه 1360 می‌باشد. این نکته قابل ذکر می‌باشد که در این سال از کل جمعیت شهرستان زابل 3/8 درصد در گروه سنی بالای 65 سال قرار داشته‌اند.

برآورد میزان باروری در ناحیه شهری زابل

باروری مهمترین فاکتور در ساختمان سنی یک ناحیه به‌شمار می‌آید (محموی مجدآبادی، جمالی، 1373: 17). با توجه به این که بالاترین نرخ رشد جمعیت در کشور در طی دوره ده ساله 85-1375 با 3/6 درصد و در سال 1390 با 1/05 به استان سیستان و بلوچستان اختصاص دارد، در سال 1385 میزان موالید خام شهرستان زابل 21/9 در هزار بوده که در سال 1390 به 25/3 در هزار رسیده است، همچنین در سال 1385 میزان موالید در ناحیه شهری برابر با 7/9 در هزار و در نقاط روستایی 14/2 در هزار و این نرخ در سال 1390 در نقاط شهری به 11/1 در هزار و در نقاط روستایی 14/1 در هزار رسیده است بر طبق این محاسبات میزان موالید در نقاط شهری در سال 1390 نسبت به 1385 افزایش ولی در نقاط روستایی با کاهش روبرو بوده است.

در جدول شماره 1 توزیع میزان‌های اختصاصی باروری ناحیه شهری زابل برآورد شده است. این مقادیر بر اساس افراد مقیم و مهاجر که در ناحیه شهری زابل ساکن می‌باشند به دست آمده که در مجموع؛ منجر به محاسبه میزان کل باروری در این ناحیه گردیده است. در این محاسبات مشخص شد که در ناحیه شهری زابل و شهر زابل میزان‌های اختصاصی باروری در افراد مقیم نسبت به مهاجرین کمتر می‌باشد بدین معنی که در شهر زابل و ناحیه آن مهاجرین دارای میزان مولید و باروری بیشتری نسبت به افراد بومی می‌باشند و با توجه به داده‌های مندرج و کسب شده در جدول زیر می‌توان ملاحظه نمود که در بین گروه‌های سنی باروری، گروه سنی 25-29 بیشترین میزان باروری را در بین باروری‌های اختصاصی برای مهاجرین با میزان 571/9 در هزار و گروه سنی 20-24 ساله نیز بیشترین میزان باروری را با مقدار 247/9 در هزار را در میان باروری افراد مقیم را به خود اختصاص داده است. در مجموع گروه سنی 25-29 ساله با 314/5 در هزار بیشترین میزان باروری را در بین گروه‌های سنی را به خود اختصاص داده است. براساس محاسبات صورت گرفته میزان کل باروری اختصاصی برای افراد مقیم، مهاجرین و مجموع باروری در شهر زابل به ترتیب برابر با 5/893، 12/570 و 6/736 در هزار به دست آمده است. با توجه به داده‌های سال 1390 و با استفاده از تحلیل‌های ریاضی میزان خالص تجدید نسل در شهر زابل 2/8 و میزان ناخالص تجدید نسل 3/115 به دست آمده که بیانگر فزونی میزان ناخالص بر میزان خالص تجدید نسل است و با توجه به این موارد میزان رشد افزایش مطلق جمعیت 5/43 بوده است. با توجه به داده‌های کسب شده میزان‌های باروری در کلیه موارد نسبت به سنوات گذشته همواره افزایش داشته است.

جدول شماره 1- توزیع میزان‌های اختصاصی باروری نسبی بر حسب افراد مقیم و مهاجر در ناحیه شهری زابل

گروه های سنی	میزان های اختصاصی باروری برای افراد مقیم (در هزار)	میزان های اختصاصی باروری برای مهاجرین (در هزار)	میزان های اختصاصی باروری کل (در هزار)
15 - 19	71/8	143/0	74/1
20 - 24	247/9	423/4	260/5
25 - 29	240/3	571/9	315/0
30 - 34	219/4	476/5	246/5
35 - 39	184/7	600/3	196/8
40 - 44	73/6	300/1	77/2
45 - 49	88/0	-	107/6

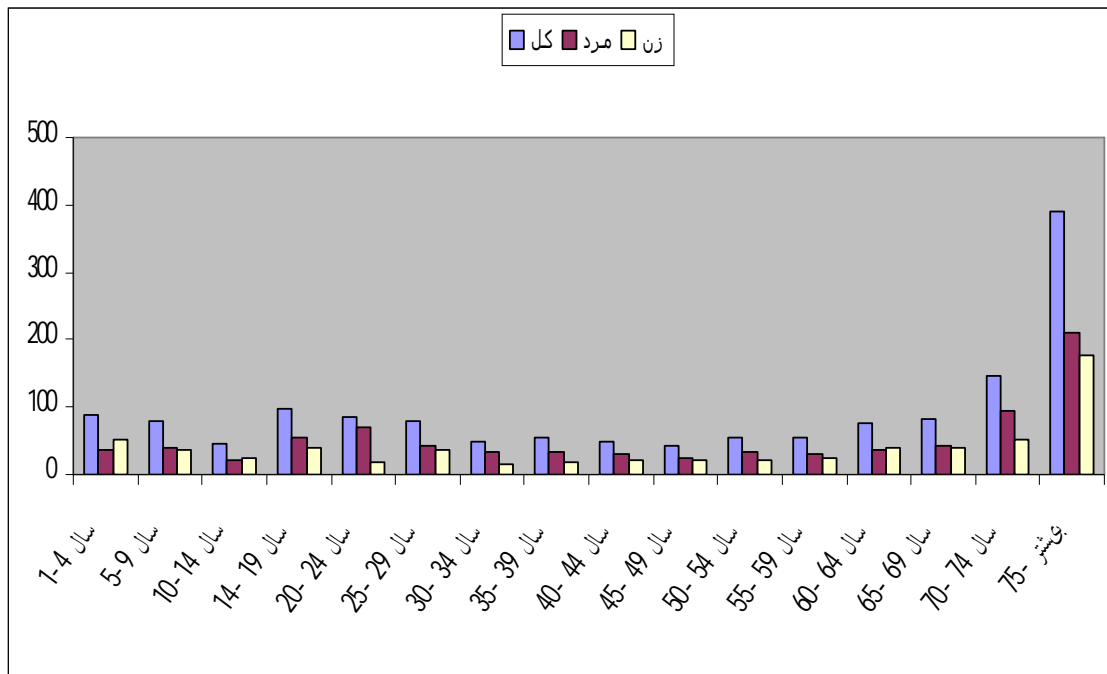
مرگ و میر

یکی از غرایز اساسی زندگی میل به زنده ماندن می‌باشد و از همین نظر است که از ابتدای تاریخ تاکنون، علاقه بشر به طولانی بودن عمر در همه جا منعکس شده است. مرگ و میر در مراحل مختلف زندگی با میزان‌های متفاوت ظاهر می‌شود. نمودار شماره 3 میزان‌های مرگ و میر را به تفکیک گروه‌های سنی و

جنسی در سال 1390 را نشان می‌دهد. چنانچه در این نمودار دیده می‌شود کمترین میزان مرگ و میر مربوط به گروه سنی 10-14 سال می‌باشد. از پایین بودن نرخ مرگ و میر در این گروه سنی چنین استنباط می‌گردد که شاخص امید به زندگی به دلیل کاهش مرگ و میر در این گروه سنی و به ویژه در اطفال زیر یکسال رو به افزایش بوده است. کل میزان مرگ و میر در اطفال زیر یکسال برابر با 14/1 در هزار بوده است که مرگ و میر پسران (166/6 در هزار) که نسبت به دختران که برابر با 266/6 در هزار به دست آمده کمتر می‌باشد و بیشترین مرگ و میر نیز مربوط به گروه سنی 75 سال و بیشتر با نرخ 91/2 در هزار بوده است.

میزان مرگ و میر در سال 1385 در ناحیه شهری زابل برابر با 14/5 در هزار و در سال 1390 این میزان به 12/9 در هزار تقلیل یافته است و همچنین نرخ مرگ و میر در این ناحیه شهری در آبان ماه 1385 در مناطق شهری به 2/27 در هزار و در مناطق روستایی 12/28 در هزار به دست آمده است و این نرخ در سال 1390 برای مناطق شهری و روستایی در این محدوده به ترتیب 2/23 و 10/6 در هزار تخمین زده شده است. پایین بودن نرخ مرگ و میر در مناطق شهری در رابطه با جوانی و بالا بودن سطح بهداشت در این مناطق می‌باشد. محاسبه میزان مرگ و میر جنسی نشان می‌دهد که در سال 1385 این میزان در زنان 48/8 درصد و در مردان 51/1 درصد بوده و در سال 1390 این پارامتر در زنان 54/1 درصد و در مردان به 45/8 درصد رسیده است. مرگ و میر زنان در طی دوره 85-1375 و نیز در سال 90 افزایش مختصری یافته ولی این میزان در مردان با کاهش بیشتری روبرو بوده است. همچنین به این نکته بایستی اشاره نمود که در سال 1385 مرگ و میر در میان مردان (2493 نفر) بوده در سال 1390 مرگ و میر زنان (2300 نفر) بیشتر شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود کمترین میزان مرگ و میر مربوط به گروه سنی 10-14 سال می‌باشد و از مهمترین شاخص‌های بهداشتی، امید به زندگی در بدو تولد است یعنی تعداد سال‌هایی که افراد در موقع تولد انتظار زندگی را دارند. بر اساس میزان‌های مرگ و میر، امید به زندگی در ناحیه شهری زابل برای زنان برابر با 67/20 و برای مردان 63/33 در محاسبات به دست آمده است. بالا بودن امید به زندگی به دلیل کاهش مرگ و میر در اطفال به خصوص اطفال زیر یکسال و به دلیل بالاتر رفتن سطح بهداشت عمومی در سطح منطقه می‌باشد. بر اساس اطلاعات آماری منتشر شده در سال 1390 مرگ و میر اطفال زیر یکسال برابر با 60 کودک زیر یکسال بوده که این میزان با گسترش واکسیناسیون عمومی به نحو چشمگیری به خصوص در روستاها تنزل یافته است.



شکل شماره 3- نمودار مرگ و میر گروه‌های سنی بر حسب سن و جنس

بررسی فعالیت و اشتغال در ناحیه شهری زابل

از شاخص‌های مهم در بررسی خصوصیات نیروی انسانی در هر ناحیه میزان فعالیت عمومی جمعیت آن ناحیه می‌باشد. در این قسمت به تحولات صورت گرفته در بخش فعالیت و میزان اشتغال می‌پردازیم. در سال 1385 جمعیت 10 ساله و بیشتر این ناحیه 229263 نفر بوده که از این تعداد 72216 نفر فعال (31/4) و 159084 نفر غیرفعال (69/3) بوده است. از تعداد جمعیت فعال 66097 نفر شاغل (91/5) و 6119 نفر بیکار (8/4) بوده اند. از جمعیت غیرفعال نیز 60562 نفر محصل (38 درصد)، 9299 نفر دارای درآمد بدون کار (5/48)، 61470 نفر خانه دار (38/6) و مابقی 27803 نفر (17/47) نیز با هیچ یک از موارد فوق مطابقت نداشته است.

در طبقه‌بندی شاغلان بر حسب گروه‌های عمده‌ی فعالیت در سال 1385، از 66097 نفر شاغلان 10 ساله و بیشتر این ناحیه 5/04 درصد در بخش کشاورزی، 22/48 درصد در بخش صنعت، 68/73 درصد در بخش خدمات و بقیه در سایر گروه‌های عمده فعالیت به کار اشتغال داشته‌اند. اما ارقام ذکر شده در سال 1390 دچار تحولاتی شده که در این قسمت بدان‌ها اشاره‌ای خواهیم داشت. از 250804 نفر جمعیت 10 ساله و بیشتر این ناحیه شهری در سال جاری، 57107 نفر شاغل (67/8 درصد)، 27008 نفر بیکار (32/1 درصد)، 59710 نفر محصل (37/4)، 61846 نفر خانه‌دار (38/8 درصد) و 13760 نفر دارای درآمد بدون کار (8/6)

درصد) بوده و مابقی که برابر 15/1 درصد می‌باشند وضع فعالیت خود را اظهار ننموده‌اند. در طبقه‌بندی شاغلان بر حسب گروه‌های عمده فعالیت، از 57107 نفر شاغلان 10 ساله و بیشتر این ناحیه 5980 نفر در بخش کشاورزی، 3251 نفر در بخش صنعت، 7013 نفر در بخش خدمات و بقیه در سایر گروه‌های عمده فعالیت به کار اشتغال داشته‌اند. بطورکلی از جمعیت 10 ساله و بیشتر این ناحیه، 84115 نفر فعال که معادل 33/5 درصد که از این تعداد 57107 نفر شاغل و 27008 نفر بیکار می‌باشند و و نرخ بیکاری از 9 درصد در سال 1385 به 10/3 درصد در سال 1390 افزایش یافته یعنی این نرخ دارای رشد 113 درصدی بوده است. همچنین نرخ جمعیت غیرفعال در این دهه نسبت به جمعیت فعال تقریباً دو برابر (63/5) درصد) شده است.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که، جمعیت فعال که در سال 1385 برابر با 31/4 بود در سال 1390 به 33/5 درصد فزونی یافته است. در مقابل این نرخ، که جمعیت غیرفعال قرار می‌گیرد در سال 1385 برابر با 69/3 درصد بوده که نسبت به سال 1390 به 63/5 درصد تنزل یافته است. ملاحظه می‌شود که جمعیت فعال در سال 1390 اندکی افزایش یافته است (2/1 درصد) که این موارد را می‌توان در تمامی شهرهای کشور مشاهده نمود که از دلایل مهم این امر (پایین بودن نرخ فعالیت) عامل جوانی جمعیت می‌باشد زیرا جوانی جمعیت ضمن این که نسبت جمعیت فعال را رو به تحلیل می‌برد در همان حال با دام- زدن به نیازهای اساسی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان و بالا بردن بار مصرفی جامعه موجب محرومیت‌ها و کمبودهای اقتصادی شدیدتری در جامعه و خانواده می‌شود.

جدول شماره 2- تعدا شاغلان و بیکاران در ناحیه شهری زابل 90- 1385

سال	1385	1390
جمعیت	229263	250804
جمعیت 10 سال به بالا	72216	84115
تعداد فعالان	31/4	33/5
درصد فعالان	66097	57107
تعداد شاغلان	91/5	67/8
درصد شاغلان	6119	27008
تعداد بیکاران	8/4	32/1
درصد بیکاران	27803	24080
سایر		

بررسی میزان نسبت باسوادی در ناحیه مورد مطالعه

عده باسوادان در ناحیه شهری زابل بر حسب نقاط شهری و روستایی بر حسب جنس به تفکیک در جدول شماره 3 مشخص گردیده است. داده‌های آماری حکایت از آن دارند که در فاصله سال‌های 90-1385 نسبت باسوادی جمعیت 6 ساله و بیشتر روندی رو به رشد داشته است. بر اساس این جدول افزایش در جمعیت باسواد شهری و برعکس کاهش آن در مناطق روستایی ناحیه در طی این دوره دیده می‌شود به طوری که میزان سواد در سال 1385 در مناطق شهری برابر با 53/4 درصد بوده که این نرخ در یک دهه بعد به 55/9 درصد می‌رسد که افزایش میزان سواد در مناطق شهری را نشان می‌دهد (در مناطق روستایی از 44/6 به 44/1 درصد کاهش یافته است) که از دلایل اصلی این امر تبدیل تعداد زیادی از نقاط روستایی به شهر و همچنین ادغام روستاها در شهرها می‌باشد که در این مورد می‌توان از شهر زهک نام برد که به شهرستان تبدیل شده است. بنابر محاسبات صورت گرفته ملاحظه می‌گردد که نرخ بی‌سوادی در بین زنان که در دوره‌ی قبلی بیشتر از مردان بوده با گذشت زمان کمتر شده است. این مهم بیانگر این نکته می‌باشد که تفاوت نسبت باسوادی میان زنان و مردان در حال کاهش می‌باشد. نکته دیگر این که تفاضل میان نسبت مردان باسواد در شهر و روستا در حال کاهش می‌باشد در همین مورد نیز میزان باسوادی در مناطق شهری روندی صعودی داشته است. به‌طور کلی میزان باسوادی در ناحیه مورد مطالعه در سال 1385، 66/5 درصد بوده که در سال 1390 به 68/5 افزایش یافته یعنی نرخ سواد افزایشی 3٪ درصدی داشته است.

جدول شماره 3- وضع سواد جمعیت 6 ساله و بیشتر بر حسب مناطق و جنس

جمعیت بی‌سواد		جمعیت باسواد		درصد باسوادان در مناطق روستایی	درصد باسوادان در مناطق شهری	سواد سال
زن	مرد	زن	مرد			
53/3	46/6	46/2	53/7	46/6	53/4	1385
58/1	41/8	41/8	53/4	44/1	55/9	1390

مهاجرت و تحرکات جمعیتی در ناحیه شهری زابل

آب مهمترین نقش را در حیات مناطق شهری و روستایی و جابجایی جمعیت در این ناحیه را بر عهده دارد که این مهم در سال‌های خشکسالی باعث حرکت جمعیت از مناطق کم‌آب به مناطق پر آب و در سال‌های پر آبی و سیل و حوادثی از این قبیل (نظیر بالآ آمدن آب هیرمند و سیل در سال 1369) عاملی مهم جهت تحرک و حرکت جمعیت و در نهایت باعث مهاجرت افراد از ناحیه می‌شود. با توجه به مندرجات جدول شماره 4 روشن می‌شود که بیشتر مهاجران وارد شده به این ناحیه از خارج کشور یعنی از کشورهای همسایه (اکثراً از افغانستان) وارد می‌شوند که با گذشت زمان این ارقام از 51/1 درصد در سال 1385 به 51/4 درصد در 5 سال بعد افزایش یافته است، قابل ذکر است که این مهاجرت‌ها هم به

صورت دائمی و هم فصلی صورت می‌گیرد اما در درون الگوی مسلط، مهاجرت از روستا به شهر بیشترین میزان در ناحیه شهری زابل را به خود اختصاص داده است. بیشتر مهاجرت‌ها از روستاهای همین شهرستان صورت می‌گیرد که از گذشته تا به حال روند افزایشی داشته است، به طوری که این نرخ از 34/6 درصد از سال 1385 به 36/2 درصد در سال 90 افزایش یافته است. از دلایل مهم این امر باید به تفاوت های موجود از نقطه نظر شغل، درآمد، امکانات، تسهیلات و ... در شهر و روستا اشاره کرد (جدول شماره 10).

جدول شماره 4- مهاجرت به داخل طی سال‌های 90-85-1375

مهاجرت سال	کل مهاجران	افراد بومی	از سایر شهرستان‌ها	از شهرستان‌های استان	از روستاهای شهرستان	خارج از کشور
1375	33099	83/6	9/8	6/5	32/8	50/9
1385	42116	84/1	9/5	6/7	34/6	51/1
1390	36604	83/5	9/1	6/4	36/2	51/4

با توجه به این نکته که گفته می‌شود مهاجرت تحت تأثیر مستقیم عوامل سازمان معیشتی است و محیط و تکنولوژی مستقیماً بر مهاجرت تأثیر ندارد، اما این نکته در ارتباط با این ناحیه شهری درست به نظر نمی‌رسد. همان‌گونه که در ابتدای این بخش ذکر گردید در این محدوده جغرافیایی مهاجرت تحت تأثیر مستقیم شرایط محیطی است به طرزى که روند افزایش و کاهش جمعیت در طی دهه‌های 85-1335 رابطه‌ای مستقیم با کاهش و افزایش آب رودخانه هیرمند داشته که این مهم در حال حاضر نیز به طرز بارزتری در حال رخ دادن می‌باشد به گونه‌ای که این عامل محیطی بر مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن این ناحیه تأثیر مستقیمی دارد. در ارتباط با ترکیب جنسی مهاجران نیز غالباً بیشتر آنان را مردان تشکیل می‌دهند. در سال 1385 از 36606 مهاجر 19950 نفر را مردان تشکیل می‌دادند (16648 زنان مهاجر). ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی شدید رایج در این ناحیه که بازدارنده مهاجرت‌های انفرادی زنان جوان است از یک طرف و دسترسی به کار و کسب درآمد و یا درآمد بیشتر از طرف دیگر از عمده عوامل پدیدآورنده ترکیب جنسی نامتعادل در بین مهاجرت‌کنندگان می‌باشد. به طور کلی ضریب افزایش و یا کاهش جمعیت در نقاط مختلف ناحیه مورد بررسی یکسان نیست و با توجه به گذشته این منطقه می‌توان گفت که این محدوده جزء مناطق مهاجرفرست می‌باشد. بنابراین، باید جهت از بین بردن معضلاتی نظیر آنچه که در سال‌های اخیر در این منطقه اتفاق افتاده است (خشکسالی، سیل و ...) برنامه‌های همه جانبه‌ای در زمینه تأمین آب مناطق شهری و روستایی و جلوگیری از طغیان‌های فصلی رودخانه به عمل آورد که این موارد از مهمترین عوامل تحرکات جمعیتی در این محدوده جغرافیایی می‌باشند.

نتیجه گیری

با توجه به مقایسه تطبیقی و تحلیل مهمترین ویژگی‌های جمعیتی ناحیه شهری زابل می‌توان به صورت ذیل نتیجه‌گیری نمود که:

- شیوه پراکندگی جمعیت در ناحیه مورد مطالعه مانند کل کشور نابرابر می‌باشد، در سال 1335 جمعیت شهرستان زابل 152272 نفر بوده است و در طی 50 سال بیش از 2/05 برابر شده است. در سال 1385 نرخ رشد طبیعی جمعیت 75٪. صدم درصد بوده که این میزان در سال 1390 به 1/24 درصد افزایش یافته است.
- مطالعه ویژگی‌های جمعیتی ناحیه در فاصله سال‌های 90- 1375 نشان‌دهنده افزایش بعد خانوار در مناطق شهری از 1920 خانوار به 31324 و کاهش این میزان در مناطق روستایی از 39741 خانوار به 36639 خانوار بوده و نیز ابعاد خانوار در این ناحیه نشان‌دهنده کاهش 4/5 درصدی خانوارهای بسیار بزرگ و افزایش 5/5 درصدی خانوارهای بزرگ و 8٪ خانوارهای بسیار کوچک می‌باشد.
- تغییر و تحول در جمعیت نقاط شهری و روستایی و میزان شهرنشینی و روستانشینی در ناحیه شهری زابل ارتباط مستقیمی با عوامل جغرافیایی، شرایط طبیعی (وجود آب یا خشکسالی) و عوامل انسانی (خدمات‌رسانی) دارد. بر همین اساس سهم جمعیت روستایی ناحیه در فاصله سال‌های 1335 تا 1390 از 92 درصد به 53 درصد رسیده است (در بین سال‌های 85- 1390 میزان روستانشینی 13/6 درصد سیر نزولی داشته است). اما در مقابل شهرنشینی در این ناحیه که در سال 1335 برابر با 8 درصد بوده در سال 13905 به 44/5 درصد رسیده است (میزان شهرنشینی در طی یک دهه گذشته 9 درصد افزایش داشته است).
- بر اساس نتایج این مطالعه و با مشاهده‌ی هرم سنی جمعیت ناحیه شهری زابل، نزدیک به نیمی از جمعیت (تقریباً 45 درصد) در سنین بین 19- 15 ساله قرار دارند؛ یعنی این ناحیه از نظر ساخت جمعیتی، دارای ساختار سنی جوان ولی در حال انتقال می‌باشد. متراکم شدن جمعیت در این سنین (سن جوانی) لزوم توجه بیشتر به خواست‌ها و نیازهای اقتصادی - اجتماعی این قشر را را دوچندان می‌کند. این جمعیت جوان در آینده برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی و اجتماعی را با مسائل عدیده و جدی مواجه می‌سازد (با دانستن این مهم که جمعیت یکی از مهمترین متغیرها در انواع برنامه‌ریزی‌ها می‌باشد) و علاوه بر آن، برنامه‌های کنترل جمعیت را نیز از سوی دیگر وارد چالش می‌نماید.

- ضریب افزایش و یا کاهش جمعیت در نقاط مختلف ناحیه مورد بررسی یکسان نمی‌باشد. با مشاهده‌ی روند مهاجرت می‌توان این‌گونه بیان نمود که بیشتر مهاجرت‌ها، مهاجرت‌هایی است که از کشور همجوار یعنی افغانستان صورت می‌پذیرد. این مهم از 51/1 درصد در سال 1385 به 51/4 درصد در سال 1390 افزایش یافته و مهاجرت روستاییان از 34/6 درصد به 36/2 درصد نسبت به یک دهه گذشته رشد داشته است. به‌طور کلی مهاجرت در این محدوده جغرافیایی رابطه مستقیمی با شرایط محیطی (سیل) دارد و در سال‌های اخیر کاهش بارندگی (خشکسالی) و کمی آب هیرمند باعث شده که این محدوده جزء مناطق مهاجرفرست محسوب گردد.
- محاسبات صورت گرفته نشان می‌دهد میزان مرگ و میر در سال 1385 در شهر زابل برابر با 14/5 در هزار و در سال 1390 این میزان به 12/9 در هزار تقلیل یافته و نرخ و مرگ و میر در این ناحیه شهری در آبان ماه 1385 در مناطق شهری به 2/27 در هزار و در مناطق روستایی 12/28 در هزار به‌دست آمده است. این نرخ در سال 1390 برای مناطق شهری و روستایی در این محدوده جغرافیایی به ترتیب 2/23 و 10/6 در هزار برآورد شده است. بر اساس نتایج یافته‌ها از میزان‌های مرگ و میر، امید به زندگی برای زنان برابر با 67/20 و برای مردان برابر با 63/33 تخمین زده شده است. با توجه به نتایج کسب گردیده از میزان‌های مرگ و میر، این نرخ هم در نقاط شهری و هم روستایی کاهش یافته که این کاهش در شهرها محسوس‌تر می‌باشد.
- داده‌های آماری نشان می‌دهد جمعیت فعال که در سال 1385 برابر با 31/4 بوده در سال 1390 به 33/5 درصد فزونی یافته است. در مقابل؛ جمعیت غیرفعال در سال 1385 برابر با 69/3 بوده که این میزان در سال 1390 به 63/5 درصد تنزل یافته است. ملاحظه می‌شود که جمعیت فعال در سال 1390 اندکی افزایش یافته است (2/1 درصد) که این مهم را می‌توان در تمامی شهرهای کشور مشاهده نمود، از دلایل مهم این امر (پایین بودن نرخ فعالیت) می‌توان به عامل جوانی جمعیت اشاره کرد؛ زیرا جوانی جمعیت نسبت جمعیت فعال را با تحلیل مواجه می‌نماید.
- مجموعه بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طی سال‌های 1375 تا 1390 میزان باسوادی به مقدار قابل- توجهی در مناطق شهری افزایش یافته اما هنوز این میزان در مناطق روستایی به حد متعالی خود نرسیده است. شایان ذکر است که در حال حاضر میزان باسوادی در مناطق شهری نسبت به یک دهه قبل رشدی 2/5 درصدی داشته ولی برعکس در مناطق روستایی نسبت به یک دهه گذشته به دلایلی که در متن ذکر گردید این نرخ روندی نزولی داشته است.

منابع

- 1- آسایش، حسین (1378)، «شاخص ساختاری - کاربردی توسعه روستایی در رابطه با آمایش سرزمین»، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره 87، ص 5.
- 2- آشفته تهرانی، امیر (1364)، «جامعه شناسی و آینده نگری جمعیت ایران»، انتشارات جهاد دانشگاهی، اصفهان.
- 3- جمعه پور، محمود (1386)، «رابطه سطح توسعه یافتگی روستاهای استان تهران و مهاجرت»، فصلنامه روستا و توسعه، سال دهم، شماره 3، ص 27.
- 4- جولایی، لیلا (1377)، «زن، جمعیت و توسعه پایدار»، مجله محیط زیست، شماره دهم، ص 52.
- 5- رحیمی، عزت الله (1379)، «بررسی تحلیلی جمعیت استان کردستان و پیش بینی وضعیت آن در 50 سال آینده به فاصله هر 5 سال»، فصلنامه فرهنگ کردستان، شماره 3 و 4، ص 1.
- 6- رسولی، رضا، امیر خسروی، ارژنگ، محمودی، محمد جواد (1386)، «تحولات نیروی انسانی و توسعه پایدار»، فصلنامه جمعیت، سال پانزدهم، شماره 59 و 60، ص 3.
- 7- زمانی، فریبا (1386)، «توزیع جمعیت»، روزنامه ایران، شماره 36 و 37، تاریخ: 86/2/24
- 8- سجادی، ژیلا و احمدی دستجردی، حمید (1387). بررسی علل و پیامدهای مکانی و فضایی جمعیت تهران پارس در محدوده منطقه 8. مجله پژوهش های جغرافیای انسانی. شماره 66. تهران. ص 115.
- 9- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، 1375، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 10- سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان، 1385، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 11- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1335، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 12- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1345، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 13- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1355، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 14- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1365، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 15- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1375، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 16- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1385، ناشر: مرکز آمار ایران.
- 17- شفق، سیروس، ضرابی، اصغر و بردی آنا مراد نژاد، رحیم (1383)، «روند تحولات جمعیت بندر ترکمن طی سالهای 1335-75 و افق آینده آن»، مجله جغرافیا و توسعه، ص 7.
- 18- شیعه، اسماعیل (1379)، «مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری»، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- 19- کامکار، فریدون (1374)، «توسعه و برنامه ریزی روستایی»، انتشارات آوای نور، تهران، ص 18.
- 20- کتابی، احمد (1385)، «پیشگامان بررسی های جمعیت شناختی در ایران»، فصلنامه انجمن جمعیت شناختی ایران، سال اول، شماره 2، ص 14.
- 21- محمودی مجدآبادی، محمود (1364)، «تحول جمعیت در ایران»، مجله محیط شناسی، سال دوازدهم، شماره 13، ص 13.
- 22- محمودی مجدآبادی، محمود، جمالی، ویکتوریا (1373)، «تحول جمعیت در سیستان»، مجله محیط شناسی، شماره 61، ص 17.
- 23- مهدوی، مسعود (1377)، «اصول و مبانی جغرافیای جمعیت»، انتشارات قومس، تهران.

24- مولائی هشتجین، نصرالله (1386)، «الگوی توزیع فضایی جمعیت در جنوب غربی دریای خزر (1400 - 1345)»، پژوهش‌های جغرافیایی، انتشارات دانشگاه تهران، شماره 59، ص 1.

25- **Gerry B. Rodgers (1978), "Demographic determinants of the distribution of income World Development", Pages 305-318.**

26- **George B. Simmons (1977), "People versus development: An overview of the economics of population growth", Pages 4-29.**

27- **Leo A. Orleans (1975), "China's experience on population control: The elusive model", Pages 497-525.**